

# پژوهش‌های قرآن و حدیث

Quranic Researches and Tradition

Vol. 55, No. 1, Spring & Summer 2022

سال پنجاه و پنج، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱

صص ۱۰۷-۱۲۲ (مقاله پژوهشی)

DOI: 10.22059/jqst.2022.333305.669864

## بررسی و تحلیل عملکرد محمدتقی مجلسی در توحید مختلفات

فاطمه شریعتی<sup>۱</sup>، سیدمهدی لطفی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۵/۵)

### چکیده

یکی از مسائل تحقیقی در سندشناسی حدیث، اثبات اتحاد راویانی است که از ایشان با عناوین مختلف در کتاب‌های رجالی یاد شده است. این امر مستلزم دقت نظر در جزئیاتی است که ذیل هر عنوان ذکر شده و پیرو قواعد و سازوکارهای خاصی می‌باشد. در این نوشتار به بررسی شیوه‌های محمدتقی مجلسی در اثبات اتحاد عناوین متعدد پرداخته شده است. هرچند وی کمتر به عنوان یک عالم رجالی شناخته شده، ولی بررسی‌های سندی او ضمن شرح احادیث کتاب من لایحضره الفقیه، حاکی از تسلط وی بر کتب و اطلاعات رجالی است. تشابه اطلاعات نام‌شناختی و شرح‌حالی، اتحاد شاگردان، وحدت طبقه، بررسی قرائن موجود در راویان مرتبط، عدم تنافی عنوان مطلق و مقید، وحدت طریق نجاشی و شیخ طوسی و نیز مقایسه اسانید، قرائنی است که مجلسی با استناد به آن، اتحاد برخی عناوین مشترک را اثبات کرده است.

**واژگان کلیدی:** توحید مختلفات، راویان حدیث، علم رجال، قواعد رجالی، محمدتقی مجلسی.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان؛ Email: f.shariati1367@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ Email: m.lotfi@ltr.ui.ac.ir

## مقدمه

علم رجال، که متصدی بررسی احوال راویان از حیث وثاقت و ضعف آن‌هاست، در طول زمان مراحل مختلفی را به خود دیده است. نخستین بار، متأخران درباره مبانی و قواعد علم رجال، سخن به میان آورده‌اند. در همین دوره، علم رجال از علم تراجم تفکیک (نک: سبحانی، ۱۴) و بحث بر روی مبانی و قواعد رجالی به شکل‌های مختلفی پیگیری شد. برخی از علمای شیعه با تألیف کتاب‌های مستقلی در موضوع مبانی و قواعد علم رجال، زمینه رشد و بالندگی آن‌را فراهم ساختند و گروه دیگری این مبانی و قواعد را در کتاب‌های حدیثی و در ضمن مباحث فقهی یا شرح‌الحدیثی خود بیان کردند. محمدتقی مجلسی معروف به مجلسی اول (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق)، از جمله افرادی است که در هر دو حوزه فعالیت نموده است. وی علاوه بر نگارش دو اثر مستقل رجالی (حاشیه بر نقدالرجال تفرشی<sup>۱</sup> و شرح مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه<sup>۲</sup>)، ضمن آثار حدیثی خود، مانند روضة المتقین و لوامع صاحبقرانی نیز مبانی و قواعد رجالی مدنظر خویش را تبیین کرده است. دوران زندگی مجلسی اول با دوره اوج‌گیری تفکرات اخباری‌گری هم‌زمان است، اما رویکرد معتدل وی، وجه بارز شخصیت علمی اوست. وی هم‌عصر بزرگانی هم‌چون سید مصطفی تفرشی (زنده در ۱۰۱۵ق)، عبدالنبی جزایری (م ۱۰۲۱ق)، ملا عنایت‌الله قهپایی (زنده در ۱۰۶۶ق) و میرزا محمد استرآبادی (م ۱۰۲۸ق) است. هریک از این عالمان بزرگ شیعی صاحب اثر در علم رجال‌اند و نقادی راویان و بررسی تحقیقی احوال ایشان را می‌توان به آن‌ها استناد داد. از این‌رو دوره مورد بحث، با محوریت مجلسی اول، یکی از دوره‌های قابل مطالعه در حوزه علم رجال است. با توجه به شاگردی مجلسی در محضر بزرگانی چون شیخ بهائی (م ۱۰۳۰ق)، ملا

۱. حاشیه مجلسی بر نقدالرجال در چاپ اخیر این کتاب، در سال ۱۳۷۶ شمسی، توسط مؤسسه آل‌البیت (ع) به صورت زیرنویس و با رموز «م ت» و «م ح ق ی» به چاپ رسیده است (نک: تفرشی، ۲۳/۱) رمز «م ت»، ناظر به مواردی است که مجلسی، مطالب تفرشی را با اصول رجالی مقابله کرده (برای نمونه نک: تفرشی، ۳۸/۱) و تعداد آن در حدود ۹۵۰ مورد است. همچنین رمز «م ح ق ی»، ناظر به آراء رجالی شخص مجلسی است (برای نمونه نک: تفرشی، ۲۱۸/۱) و حدوداً پنجاه مورد را در برمی‌گیرد.

۲. این اثر به عنوان جلد چهاردهم از کتاب روضة المتقین ایشان به چاپ رسیده است. محقق تهرانی از شرح مشیخه با عناوینی چون شرح الاحادیث (طهرانی، ۶۴/۱۳) و الروضة البهیه (طهرانی، ۲۹۰/۱۱) یاد کرده و این دو نام را اسامی تاریخی شرح مشیخه فقیه می‌داند. همچنین از آن با نام رجال المولی محمد تقی المجلسی و طبقات الروات (طهرانی، ۱۰۱/۱۰) نیز نام برده است.

عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ق) و میر محمدباقر داماد (م ۱۰۴۰ق)، او می‌تواند میراث‌دار آراء رجالی حوزه جبل عامل و نظرات رجالی اساتید خویش باشد. همچنین آراء رجالی مجلسی اول بر شاگردان و محافل رجالی پس از وی نیز اثرگذار بوده است. از این‌رو شناخت مبانی رجالی وی، یکی موضوعات قابل مطالعه در حوزه علم رجال است. یکی از مباحث تحقیقی در علم رجال، بحث توحید مختلفات و یا اثبات اتحاد راویانی است که از آنان با عناوین متعددی در کتب رجالی یا اسانید روایات یاد شده است. مجلسی اول در زمره عالمانی است که در بررسی‌های سندی خود و به ویژه در شرح مشیخه فقیه، در صدد کشف اتحاد این راویان برآمده و قواعدی را برای این منظور وضع کرده است. وی در چهل و هشت مورد به توحید مختلفات اشاره کرده و در اثبات بیست و چهار مورد از آنان، از قواعدی بهره برده است. این نوشتار بر آن است تا قواعد توحید مختلفات از دیدگاه محمدتقی مجلسی را از میان مباحث درایی و رجالی و شرح الحدیثی مجلسی اول به صورت ضابطه‌مند استخراج کرده، به بررسی هریک بپردازد.

### ۱. پیشینه پژوهش

بحث درباره موضوع مختلفات و شناسایی راویان از ابتدا مورد توجه علمای امامیه و اهل سنت بوده است. در میان علمای اهل سنت می‌توان به ابن‌صلاح و حاکم نیشابوری اشاره کرد. ابن‌صلاح ذیل عنوان معرفه من ذکر باسماء مختلفه به ذکر مثال‌هایی از این دست پرداخته است. وی تدلیس را به عنوان انگیزه برخی از راویان در ذکر اسماء مختلف برای خود بیان می‌دارد که مطابق دیدگاه او شناسایی این اسماء مختلف در شناخت تدلیس مدلسان از اهمیت زیادی برخوردار است. در بین رجالیان شیعی نیز این مسئله از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. متأخران و به خصوص از دوره پس از متأخران، رجالیان با استناد به قواعدی به شناسایی عناوین متحد پرداخته‌اند. نقد و بررسی این موارد از سوی رجالیان سبب توسعه این مباحث در خلال کتب رجالی و فوایدالرجال شده است (لطفی، ۱۶۴). در بین کسانی که در بحث توحید مختلفات سرآمد همه رجالیان‌اند می‌توان از اردبیلی، تفرشی و آیه‌الله خوئی یاد کرد. بررسی شیوه و نحوه عملکرد محمدتقی مجلسی در توحید مختلفات تاکنون موضوع هیچ پژوهشی قرار نگرفته است.

## ۲. علل ایجاد عناوین مختلف

پیدایش عناوین مختلفی که بر یک راوی اطلاق می‌شود، معلول عوامل گوناگونی است که از جمله آن‌ها می‌توان به اختصار نام راویان و اکتفا به ذکر یکی از نسب‌های راوی (برای نمونه: انتساب عمر بن یزید بن ذبیان به صیقل و بیاع سابری)، تعدد عناوین راویان و اکتفای رجالیان به ذکر برخی از این عناوین (برای مثال: حسن بن علی کوفی و حسن بن علی بن عبد الله بن مغیره)، نسبت دادن راوی به جد یا اجداد وی (مثلاً: انتساب معاویه بن شریح به جدش میسره)، تعدد نام راوی (برای نمونه: داود بن فرقد و داود بن ابی یزید)، تصحیف نام راویان به وسیله نسخه‌برداران کتاب‌ها (برای مثال: تصحیف نام محمد بن میسر به میسره) و گوناگونی شیوه نگارش نام راوی (مثلاً: سالم بن حنط و سلم بن حنط) اشاره کرد.

## ۳. ضرورت توحید مختلفات

مهمترین ثمره عملی یکسان‌سازی عناوین مختلف، تعیین وضعیت راوی و جرح یا تعدیل اوست. به این معنا که اگر یک راوی مهمل یا مجهول، با راوی ثقه متحد باشد، وثاقت او نیز به اثبات می‌رسد و اگر با راوی ضعیف متحد باشد، ضعف او ثابت می‌شود.

## ۴. قواعد توحید مختلفات

برای اثبات اتحاد یا عدم اتحاد عناوین متعدد، از معیارها و ملاک‌های خاصی می‌توان استفاده کرد. در بررسی‌های رجالی مجلسی اول، استفاده از قرائنی هم‌چون تشابه اطلاعات رجالی، قرائن موجود در اطلاعات رجالی راویان مرتبط، عدم تنافی عنوان مطلق و مقید، وحدت طریق و مقایسه اسانید به چشم می‌خورد. در ادامه بحث، هریک از موارد مذکور مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

### ۴.۱. تشابه اطلاعات رجالی

به یک اعتبار می‌توان مطالبی را که در کتاب‌های رجالی ذیل نام هریک از راویان ثبت شده، به دو قسم دسته‌بندی کرد. یکی از این دو دسته، به بیان اطلاعات نام‌شناختی راویان اختصاص دارد. این اطلاعات شامل بیان نام و نسب راوی است. دسته دیگر اطلاعات در منابع رجالی، ناظر به اطلاعات شرح‌حالی ایشان اعم از بیان طبقه، ذکر مشایخ و شاگردان و

بیان نام خویشاوندان و نزدیکان هریک از روای است. تشابه این اطلاعات می‌تواند به عنوان ضابطه‌ای کاربردی در توحید مختلفات به کار رود. در ادامه، موارد بهره‌گیری مجلسی اول از تشابه هریک از این دست اطلاعات، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱.۱.۴. تشابه اطلاعات نام‌شناختی

ساختار نام‌ها در زبان عربی متشکل از نام، نام پدر و جد، لقب، کنیه، نسب و شغل است. تشابه اطلاعات نام‌شناختی دو یا چند راوی که از ایشان به صورت مستقل یاد شده، می‌تواند نشانگر اتحاد ایشان باشد.

برای نمونه، مجلسی از این شیوه در راستای اثبات اتحاد عناوین *ابو الحسین<sup>۱</sup> بسطام بن سابور واسطی*، *بسطام بن زیات<sup>۲</sup> ابوالحسین واسطی* و *ابو الحسن بسطام بن سابور واسطی* زیات استفاده کرده است. توضیح آنکه این نام‌ها در *رجال نجاشی* (نجاشی، ۱۱۰-۱۱۱)، *فهرست* (شیخ طوسی، ۹۸) و *رجال شیخ طوسی* (۱۷۲-۱۷۳)، به عنوان دو راوی مستقل قلمداد شده‌اند و علی‌رغم تعدد عناوین در کلام شیخ طوسی و نجاشی، مجلسی اول قائل به اتحاد این دو راوی است. تشابه اطلاعات نام‌شناختی، حاکی از اتحاد دو راوی است. قرینه دیگر بر این اتحاد از دیدگاه مجلسی، اکتفای علامه حلی به ذکر فقط یک نام تحت عنوان *بسطام بن سابور زیات ابو الحسن واسطی* (علامه حلی، ۲۶) است (مجلسی، *روضه المتقین*، ۳۳۶/۱۴). نظر به اینکه فقط نام *بسطام بن سابور* در کلام نجاشی به عنوان راوی ثقه مطرح شده و سایر روای مهمل هستند، اثبات اتحاد این عناوین، بسیار مثمر ثمر خواهد بود.

نمونه دیگر در استفاده از این قرینه در بحث‌های رجالی مجلسی، اثبات اتحاد زیاد بن عیسی ابو عبیده حذاء، زیاد بن ابی رجاء کوفی و زیاد بن رجاء است (نک: مجلسی،

۱. کنیه بسطام زیات به دو گونه ضبط شده است. رجالیان عمدتاً وی را *ابوالحسن* دانسته‌اند (برقی، ۴۵؛ شیخ طوسی، *رجال الطوسی*، ۱۷۲/۱۲). ولی نجاشی (نجاشی، ۱۱۰) و شیخ طوسی در *الفهرست* (شیخ طوسی، *الفهرست*، ۹۸)، از او با کنیه *ابو الحسین* یاد کرده‌اند. به گفته ابن داود ضبط صحیح همان *ابو الحسن* است (ابن داود حلی، ۶۹) و مجلسی نیز وقوع این گونه سهو را از شیخ طوسی، فراوان و از نجاشی، علی‌رغم اندک بودن، محتمل می‌داند (مجلسی، *روضه المتقین*، ۳۳۶/۱۴).

۲. در *الفهرست* از راوی مورد بحث با عنوان *بسطام بن زیات* یاد شده (شیخ طوسی، *الفهرست*، ۹۸؛ البته مصحح کتاب، بعضی نسخ را فاقد این دانسته)، حال آنکه سایر کتب رجالی فاقد واژه *ابن* است. ابن داود عنوان صحیح را *بسطام زیات* و بدون کلمه *ابن* می‌داند (ابن داود حلی، ۶۹).

روضه المتقین، ۳۶۶/۱۴). زیاد بن عیسی ابو عبیده حذاء کوفی از راویان ثقه و اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است. نجاشی بیان داشته که نام ابی رجاء، منذر است (نجاشی، ۱۷۰)؛ از این رو ممکن است از زیاد بن ابی رجاء، با نام زیاد بن منذر نیز یاد شود. در رجال شیخ طوسی علاوه بر زیاد بن عیسی ابو عبیده حذاء، از زیاد بن ابی رجاء کوفی به عنوان راوی مستقلی یاد شده (نک: شیخ طوسی، رجال الطوسی، ۱۳۵-۲۰۸) که حاکی از اعتقاد شیخ به عدم اتحاد این دو نفر است. نظر به اشتراک دو راوی در کنیه، نام پدر و طبقه، احتمال اتحاد این دو نفر بعید نیست؛ همان طور که مجلسی اول نیز این مسئله را مطرح کرده است. وی بیان داشته اختلاف پدید آمده ناشی از شهرت راوی به کنیه و عدم ذکر نام پدر اوست و مواردی که از وی تنها با نام و بدون ذکر کنیه سخن به میان آمده باشد، اندک است (مجلسی، روضه المتقین، ۳۶۶/۱۴).

#### ۲.۱.۴. تشابه اطلاعات شرح حالی

بخشی از اطلاعات رجالی راویان ناظر به اطلاعات شرح حالی ایشان است. مقصود از اطلاعات شرح حالی، بیان طبقه، ذکر مشایخ و شاگردان و بیان نام خویشاوندان و نزدیکان هریک از روای است. تشابه این اطلاعات میان دو یا چند عنوان راوی می‌تواند قرینه‌ای جهت اثبات اتحاد ایشان باشد. مجلسی اول در چندین مورد، از تشابه این اطلاعات جهت اثبات اتحاد بهره برده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

#### ۱.۲.۱.۴. اشتراک شاگردان

از جمله اطلاعات شرح حالی مندرج ذیل نام راویان، ذکر نام شاگردان ایشان است که در برخی موارد می‌تواند به عنوان ضابطه در اثبات اتحاد دو یا چند راوی کارآمد باشد. لازم به ذکر است که ذکر مشایخ و شاگردان، دلالتی در حصر راوی در مروی عنه و بالعکس ندارد؛ لذا به تنهایی نمی‌توان در اثبات اتحاد راویان به این قاعده اتکا کرد و صرفاً در کنار سایر ادله می‌تواند نقش قرینه را ایفا کند. مجلسی اول، در مواردی برای اثبات اتحاد راویان از این قاعده بهره گرفته است که نمونه آن در اثبات اتحاد راوی مجهول سلم ابوالفضل الخياط<sup>۱</sup> و سالم الحنات ابو الفضل کوفی ثقه (نجاشی، ۱۹۰) مشهود است.

۱. نسب راوی به دو گونه ضبط شده است. نجاشی (۱۹۰) و علامه حلی (۸۶) وی را حنات نسب داده‌اند؛ ولی شیخ طوسی (شیخ طوسی، رجال الطوسی، ۲۱۹) و برقی (برقی، ۳۳) نسب وی را خياط ←

این دو راوی در کنیه *ابوالفضل* اشتراک دارند و عاصم بن حمید، راوی هر دو نفر است (برقی، ۳۳؛ شیخ طوسی، *رجال الطوسی*، ۲۱۹). از این رو مجلسی اول معتقد است، سلم ابوالفضل الحنات در واقع همان سالم الحنات ابوالفضل است که نام او گاه با الف ممدوده و گاه با مقصوره به صورت سلم نگاشته شده است (مجلسی، *روضه المتقین*، ۳۷۰/۱۴). لازم به ذکر است که شیخ طوسی علاوه بر سلم ابوالفضل الخياط، از راوی دیگری با نام سلم ابوالفضیل کوفی حنات نیز نام برده است، ولی مجلسی متعرض بحث درباره این راوی و اتحاد یا عدم اتحاد وی با سایر عناوین نشده است. با در نظر گرفتن وقوع تصحیف در کنیه (ابوالفضل و ابوالفضیل) و لقب وی (حنات و خیاط) احتمال اتحاد این دو راوی نیز هست.

مجلسی از این شیوه در اثبات اتحاد محمد بن مثنی بن قاسم و محمد بن قاسم بن مثنی است. محمد بن قاسم بن مثنی از جمله مصنفان امامیه به شمار می‌رود. شیخ طریق خود به کتاب او را به واسطه حمید از احمد بن میثم از محمد بن قاسم نقل کرده است (شیخ طوسی، *الفهرست*، ۴۳۱). در سایر کتب رجالی نامی از این راوی به چشم نمی‌خورد. البته نجاشی از شخصی با نام محمد بن مثنی بن قاسم کوفی یاد کرده است. این راوی نیز صاحب کتابی است که نجاشی طریق خود را به واسطه حمید از احمد از محمد بن مثنی نقل کرده است (نجاشی، ۳۷۱). مجلسی اول به قرینه اتحاد راوی هر دو کتاب، معتقد است این دو عنوان، واحد هستند. وی در رفع تناقض گزارش نجاشی و شیخ، احتمال سهو شیخ طوسی را ممکن دانسته و البته احتمال داده که این راوی به اسم جدش مشهور باشد و همین مسئله، سبب تغایر دو عنوان شده باشد (مجلسی، *روضه المتقین*، ۴۴۹/۱۴). از دیگر راویانی که مجلسی با استناد به اتحاد شاگردان ایشان را واحد دانسته داود بن ابی یزید کوفی عطار و داود بن فرقد<sup>۱</sup> (مجلسی، *روضه المتقین*، ۱۱۲/۱۴).

→ دانسته‌اند. البته برقی غیر از سلم ابو الفضل الخياط از راوی دیگری نیز با عنوان *سلم الحنات* در میان اصحاب امام صادق علیه السلام نام برده است (برقی، ۳۳). با توجه به اینکه مجلسی به نقل از شیخ طوسی نسب راوی را حنات ذکر کرده (نک: مجلسی، *روضه المتقین*، ۳۷۰/۱۴) و در اسناد روایات دو کتاب تهذیب و استبصار نیز با عنوان حنات از او یاد شده است (برای مثال نک: شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ۱۷۰/۷) به نظر می‌رسد ضبط صحیح همان حنات باشد.

۱. براساس سخن ابن داود، برخی از اصحاب، نام فرقد را به صورت مرقد نیز گزارش کرده‌اند. به نظر می‌رسد مقصود ابن داود از برخی اصحاب، علامه حلی است؛ ولی در خلاصه الاقوال و ایضاح الاشتباه علامه حلی چنین مطلبی یافت نمی‌شود (ابن داود حلی، ۲۱۷/۲) و علامه حلی به نام فرقد تصریح کرده است (نک: علامه حلی، ۶۸).

#### ۲.۲.۱.۴. وحدت طبقه

مقصود از طبقه، گروهی از راویان هستند که در سن و دیدار مشایخ مشترکند (شهید ثانی، ۳۸۸). در بیان مجلسی اول، غیر از واژه طبقه، از تعریف مذکور با عنوان مرتبه نیز یاد شده (برای مثال ر.ک: مجلسی، *روضه المتقین*، ۴۴/۱۴، ۶۰، ۸۵ و ۸۹) و به نظر می‌رسد از دیدگاه وی، تفاوتی بین این دو تعبیر نیست. همچنین وی در طبقه‌بندی روایات دارای معیاری متفاوت از سایرین است و بر اساس مقاطع زمانی خاص و در دوازده مرتبه، به طبقه‌بندی ایشان همت گمارده است (ر.ک: مجلسی، *روضه المتقین*، ۳۲۳/۱۴). شناخت طبقات علاوه بر نقش مهمی که در تشخیص راویان مشابه، امکان اطلاع یافتن از تدلیس، شناخت راویان در اسناد معنعن (شهید ثانی، ۳۸۶)، تشخیص ارسال و اتصال سند و شناختن صحابه، تابعین و اتباع تابعین دارد (شهید ثانی، ۳۳۸)، می‌تواند در اثبات اتحاد دو یا چند عنوان از راویان کارآمد باشد.

نمونه استفاده مجلسی از قاعده وحدت طبقه، در اثبات اتحاد محمد بن ولید بجلی خزاز ثقه (کشی، ۵۶۳؛ مجلسی، *روضه المتقین*، ۳۴۵) و محمد بن ولید کرمانی مجهول (برقی، ۵۷) است. در مشیخه من لایحضره الفقیه، فقط طریق شیخ صدوق به کرمانی ذکر شده (شیخ صدوق، ۵۲۴/۴)؛ ولی نامی از محمد بن ولید خزاز بجلی کوفی به چشم نمی‌خورد و این امر سبب ضعف پاره‌ای از سندهای شیخ صدوق می‌شود. مجلسی با استفاده از قاعده وحدت طبقه شاگردان این دو راوی، محمد بن ولید کرمانی و خزاز را متحد دانسته است (مجلسی، *روضه المتقین*، ۱۱۵/۸).

از دیگر عناوینی که مجلسی با استناد به این قاعده، حکم به اتحاد ایشان داده حسن بن مالک قمی و حسین بن مالک (مجلسی، *روضه المتقین*، ۳۳۸/۸ و ۳۵۷/۱۴) است. برقی (۵۹) و علامه حلی (۳۹) نام حسن بن مالک قمی را به عنوان یکی از اصحاب امام هادی (ع) در کتب خود ذکر کرده‌اند. این عنوان در سایر کتب رجالی به چشم نمی‌خورد. در عوض شیخ طوسی حسین بن مالک را از اصحاب امام هادی (ع) دانسته است (شیخ طوسی، *رجال الطوسی*، ۳۸۵). نظر به وحدت طبقه دو راوی، مجلسی اول قائل به اتحاد ایشان است. وی معتقد است اختلاف تنها در اسم راوی است (مجلسی، *روضه المتقین*، ۳۳۸/۸) که از جانب نسخه‌برداران به وجود آمده (مجلسی، *روضه المتقین*، ۳۵۷/۱۴) و دال بر تعدد عناوین نیست. مجلسی همچنین وحدت طبقه را در اثبات اتحاد حسین بن بشار و حسین بن یسار (مجلسی، *روضه المتقین*، ۹۷/۷؛ ۱۱۶/۸ و ۵۳۸/۲) به کار برده است.

#### ۲.۴. قرائن موجود در اطلاعات رجالی راویان مرتبط

گاه رجالیان ضمن بیان شرح حال یک راوی، به مناسبت بحث، از خویشان، نزدیکان، اساتید و یا شاگردان ایشان نیز نام برده و به نکاتی اشاره کرده‌اند. این مطالب، هرچند به صورت مستقل، ذیل نام خود راوی نیامده، اما به عنوان قرینه‌ای سودمند جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره او می‌تواند ظاهر شود. برای مثال شیخ طوسی ذیل نام یعقوب بن سالم الاحمر، او را از اصحاب امام صادق(ع) و برادر اسباط معرفی کرده است (شیخ طوسی، رجال الطوسی، ۳۲۳). او سپس از راوی دیگری با نام یعقوب بن سالم در میان اصحاب امام صادق(ع) سخن به میان آورده و او را نیز برادر اسباط دانسته است (شیخ طوسی، رجال الطوسی، ۳۲۴). با توجه به تشابه اطلاعات شرح‌حالی هر دو راوی، مجلسی اول حکم به اتحاد یعقوب بن سالم و یعقوب بن سالم الاحمر داده است (مجلسی، روضه المتقین، ۴۷۱/۱۴).

از جمله راویان مجهول در کتاب‌های رجالی، ابو موسی عمر بن یزید بن ذبیان صیقل، مولی بنی نهد است که کتاب وی از طریق محمد بن زیاد روایت شده است (نجاشی، ۲۸۶). مجلسی اول با استناد به سخن نجاشی ذیل نام احمد بن حسین، عمر بن یزید بن ذبیان صیقل را همان عمر بن یزید بیاع سابری می‌داند (مجلسی، روضه المتقین، ۴۰۶/۱۴). توجه به این مطلب که شیخ طوسی بیاع سابری را ثقه و از اصحاب امام کاظم(ع) معرفی کرده، نشانگر ثمره اثبات اتحاد این دو راوی است (شیخ طوسی، رجال الطوسی، ۳۳۹). توضیح آنکه نجاشی پس از ذکر کامل نام احمد بن حسین بن عمر بن یزید صیقل، از جد احمد با عنوان عمر بن یزید بیاع سابری یاد کرده است: أحمد بن الحسین بن عمر بن یزید الصیقل أبو جعفر کوفی، ثقة، من أصحابنا، جده عمر بن یزید بیاع السابری (نجاشی، ۸۳) که حاکی از تعدد لقب عمر بن یزید است. لازم به ذکر است که برخی اتحاد این دو راوی را غیر محتمل دانسته، بر این اعتقادند که مقصود نجاشی از بیاع سابری در عبارت «جده عمر بن یزید بیاع السابری»، بیان لقب احمد بن حسین است نه عمر بن یزید (جزایری، ۱۷۴/۱؛ مجلسی، روضه المتقین، ۷۰/۱۴)؛ زیرا در این صورت، نجاشی با در نظر گرفتن اقتضای کلام باید به لقب صیقل هم اشاره می‌کرد: جده عمر بن یزید صیقل بیاع السابری (کنی، ۱۷۵). البته مجلسی اول این احتمال را بعید دانسته است (مجلسی، روضه المتقین، ۴۰۶/۱۴). از دیگر ادله مخالفان اتحاد، مشترک نبودن راویان صیقل و بیاع سابری و عدم وحدت طبقه ایشان

است؛ ذبیان صیقل از اصحاب امام صادق(ع)، ولی بیاع سابری از اصحاب امام صادق و امام کاظم(ع) است (کنی، ۱۷۵). دلیل دیگر بر عدم اتحاد این دو راوی، وثاقت بیاع سابری و عدم تصریح نجاشی به وثاقت صیقل است (خوئی، ۷۰/۱۴)؛ ولی با توجه به اینکه ابن داود، صیقل را در زمره ثقات قلمداد کرده (ابن داود حلی، ۲۶۱)، مجلسی اول عملکرد وی را قرینه دیگری بر توحید می‌داند و در عین حال بیان داشته، اشتراک و تعدد دو راوی نیز مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا در صورت ذکر نام عمر بن یزید به صورت مطلق، به علت کثرت روایت، باید او را به بیاع سابری منصرف دانست (مجلسی، روضه المتقین، ۴۰۶/۱۴). به نظر می‌رسد اتحاد این دو عنوان نخستین بار، توسط مجلسی اول مورد توجه قرار گرفته است.

محمد بن میسر بن عبد العزیز نخعی بیاع زطی<sup>۱</sup> و محمد بن میسر کندی و محمد بن میسرة (مجلسی، روضه المتقین، ۴۵۲۹/۱۴)، عناوین دیگری است که مجلسی با مراجعه به اطلاعات رجالی راویان مرتبط حکم به اتحاد ایشان داده است. محمد بن میسر بن عبد العزیز نخعی بیاع زطی، کوفی، ثقه و از اصحاب امام صادق(ع) است. کتاب وی توسط محمد بن ابی عمیر نقل شده است (نجاشی، ۳۶۸). شیخ طوسی در میان اصحاب امام صادق(ع)، از راوی مجهولی با نام محمد بن میسر کندی یاد کرده و اتحاد وی با محمد بن میسره کندی را محتمل دانسته است (شیخ طوسی، رجال الطوسی، ۲۹۵). همچنین نام راوی دیگری با عنوان محمد بن میسرة، در طبقه اصحاب امام صادق(ع) نیز ذکر شده است (شیخ طوسی، رجال الطوسی، ۳۱۳) که دال بر عدم اعتقاد شیخ طوسی به وحدت این دو نفر است. برقی نیز در طبقه اصحاب امام صادق(ع)، بلافاصله بعد از نام محمد بن میسر، از محمد بن میسره نام برده (برقی، ۲۰) که نشان می‌دهد برقی نیز قائل به عدم اتحاد دو راوی است. با وجود این، مجلسی اول معتقد است هر دو عنوان به یک راوی اشاره داشته و متحدند. او تصریح به اسم جد این راوی در سایر اخبار و نیز تصحیح علامه حلی و سایرین نسبت به روایات او را قرینه‌ای بر

۱. مقصود از نسب بیاع زطی، فروشنده لباس‌های هندی است. همچنین ممکن است وی اهل شهری نزدیک جبل با نام زط به ضم، معرب جت و مفتوح به خلاف قاعده (فیروزآبادی، ۳۶۲/۲) باشد (مجلسی، روضه المتقین، ۸۴/۷). همچنین زط به گونه‌ای از سیاه‌پوست‌ها و هندی‌ها اطلاق شده است (ابن اثیر، ۳۰۲/۲) و از این‌رو وی فروشنده آن‌ها بوده است. از دیدگاه مجلسی، نظر اول صحیح‌تر است؛ زیرا در واژه زطی، یاء نسبت به کار رفته و نسبت دادن فروشنده لباس به انسان معروف است؛ به خلاف فروشنده انسان (مجلسی، روضه المتقین، ۸۴/۷).

ادعای خود می‌داند (مجلسی، روضه المتقین، ۴۵۲/۱۴). احتمالاً مقصود مجلسی اول از تصریح به نام جد وی، ذکر نام میسرۀ بن عبد العزیز در طبقات برقی (۴۲) است. مجلسی پس از حکم به اتحاد عناوین مذکور، بیان داشته، در صورت تعدد نیز ضرری متوجه سند حدیث نیست؛ زیرا اطلاق به قرینۀ کتاب و روایت به افراد مشهور باز می‌گردد (مجلسی، روضه المتقین، ۴۵۲/۱۴).

از دیگر روایانی که مجلسی با استناد به قاعدۀ مذکور، قائل به اتحاد ایشان است عبارتند از: ابن عامر و ابن عمران اشعری (مجلسی، روضه المتقین، ۱۸۰/۱۴) به نقل از مجلسی، ملاذ الاخیار، ۴۵۲/۱، علی بن اسماعیل بن شعیب و علی بن اسماعیل سندی (مجلسی، روضه المتقین، ۹۲/۱۴ و ۱۸۷) به نقل از مجلسی، ملاذ الاخیار، ۵۱/۳.

#### ۳.۴. عدم تنافی عنوان مطلق و مقید

چگونگی گزارش اطلاعات نام‌شناختی راویان در منابع رجالی و کتب روایی می‌تواند مبنای اتحاد یا عدم اتحاد ایشان باشد. در برخی موارد بین گزارش رجالیان از یک نام و آنچه در روایات ثبت شده، اختلاف وجود دارد. به طور مثال نام راوی در کتب رجالی با قیود مختلفی ذکر شده که روایت فاقد آن است (لطفی، ۱۷۱). در صورتی که عناوین مطلق و مقید قابل جمع بوده و منافاتی در نسبت دادن آن‌ها به یک راوی نباشد، می‌توان حکم به اتحاد همهٔ راویان داد. از این رو «عدم تنافی عنوان مطلق و مقید»، به عنوان یکی از قرائن توحید مختلفات به شمار می‌رود. نمونه کاربرد این قاعده، در آثار مجلسی اول، اثبات اتحاد سوید بن مسلم قلاء مولی شهاب بن عبد ربه بن ابی میمون، سوید مولی محمد بن مسلم (نجاشی، ۱۹۱)، سوید القلاء کوفی (شیخ طوسی، رجال الطوسی، ۲۲۳) و سوید بن سعید قلاء (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۳۰۰/۶) بوده و قاعدۀ وی بر این امر، عدم تنافی دو عنوان است. وی بیان داشته ظاهراً نسبت سوید به ابن مسلم به اعتبار ولایت است و شهاب بن عبد ربه و محمد بن مسلم هر دو مولای او هستند و این اختلافات مشکلی ندارد. از این رو هردو راوی واحدند و طریق شیخ صدوق و به تبع آن خبر نیز صحیح است (مجلسی، روضه المتقین، ۱۴۵/۱۴).

مجلسی در اثبات اتحاد عناوینی چون: علی بن حسان واسطی و هاشمی (مجلسی، روضه المتقین، ۱۶۲/۹ و ۲۴۸)، حماد بن عثمان بن عمرو بن خالد فزاری یا رواسی و حماد بن عثمان بن زیاد ملقب به ذو الناب (مجلسی، روضه المتقین، ۴۹/۱۴) و علی بن

حکم بن زبیر نخعی ابو الحسن الضریر و علی بن حکم بن زبیر انباری (مجلسی، روضه المتقین، ۱۹۲/۱۴ به نقل از مجلسی، ملاذ الاخیار، ۸۲/۲) نیز از قاعده عدم تنافی عنوان مطلق و مقید استفاده کرده است.

#### ۴.۴. وحدت طریق

طریق و شیوه دست‌یابی به آثار مؤلفان کتاب‌های حدیثی، از جمله اطلاعات مندرج در برخی کتاب‌های رجالی مثل رجال نجاشی و فهرست و رجال شیخ طوسی است. ذکر طرق علاوه بر اثبات صحت انتساب کتاب به نویسندگان، می‌تواند در تعیین هویت راویان نیز به عنوان قرینه، نقش مؤثری ایفا کند. با این توضیح که در صورت وحدت طریق شیخ یا نجاشی به دو یا چند راوی در کنار سایر قرائن دال بر اتحاد می‌تواند در اثبات وحدت ایشان مؤثر واقع شود. مجلسی اول از این قاعده در صدد اثبات اتحاد چند تن از راویان استفاده کرده است که از آن جمله می‌توان به اتحاد عمر بن ابو حفص رمانی و عمر ابو حفص زبالی اشاره کرد. محمدتقی مجلسی وحدت طریق نجاشی به این دو عنوان را قاعده‌ای بر اتحاد ایشان می‌داند (مجلسی، روضه المتقین، ۴۰۳/۱۴)؛ زیرا در طریق نجاشی به هر دو راوی، عناوین مشترک حمید بن زیاد، قاسم بن اسماعیل و عبیس به چشم می‌خورد (ر.ک مجلسی، روضه المتقین، ۲۸۵/۱۴-۲۸۶).

در نمونه دیگر، مجلسی وحدت طریق شیخ طوسی به محمد بن میسر و محمد بن مبشر (شیخ طوسی، الفهرست، ۴۲۰) را نشانه وحدت دو راوی دانسته (مجلسی، روضه المتقین، ۴۴۹/۱۴)، هر چند صراحتاً به آن اذعان نکرده است.

#### ۴.۵. مقایسه اسانید

مقایسه اسناد کتاب‌ها یا روایات، علاوه بر اینکه در تمییز مشترکات کارآمد است، در توحید مختلفات نیز نقش مؤثری دارد. نمونه‌هایی از استفاده مجلسی اول از این قاعده در آثار او به چشم می‌خورد که در ادامه، به تفصیل بدان پرداخته می‌شود.

#### ۴.۵.۱. مقایسه اسناد کتاب

مجلسی اول با استفاده از این قرینه در صدد اثبات اتحاد حسن بن علی کوفی مجهول و حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره ثقه برآمده است. وی مقایسه طریق نجاشی و شیخ

طوسی به کتاب *عبدالله بن محمد* را قرینه‌ای بر وحدت حسن بن علی کوفی و حسن بن علی بن عبد الله بن مغیره می‌داند (مجلسی، *روضه المتقین*، ۱۱۱/۱۴، ۱۱۲ و ۳۸۶). توضیح آنکه در طریق نجاشی نام حسن بن علی بن عبد الله بن مغیره به عنوان واسطه نقل کتاب ذکر شده (نجاشی، ۲۲۶)؛ ولی در طریق شیخ طوسی، از وی با نام حسن بن علی کوفی یاد شده (شیخ طوسی، *الفهرست*، ۲۹۳) و مقایسه این دو طریق تأییدی بر سخن مجلسی اول است. قرینه دیگر مجلسی، توجه به طریق شیخ صدوق به روح بن عبدالرحیم است (مجلسی، *روضه المتقین*، ۹۵/۱۴ و ۱۱۷). شیخ صدوق در مشیخه چنین نگاشته است: "و ما کان فیہ عن روح بن عبد الرّحیم فقد رویتہ عن جعفر بن علی بن الحسن ابن علی بن عبد الله بن المغیره الکوفی، عن جدہ الحسن بن علی الکوفی" (شیخ صدوق، ۵۲۱/۴). توضیح اینکه در عبارت مذکور، از جد جعفر بن علی با دو عنوان حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره کوفی و نیز حسن بن علی کوفی یاد شده است. به نظر می‌رسد مجلسی، قرائن دیگری نیز برای اثبات این امر در اختیار داشته که به آن‌ها اشاره نکرده است (مجلسی، *روضه المتقین*، ۱۱۷/۱۴ و ۳۸۶).

#### ۴. ۵. ۲. مقایسه اسناد روایت

علاوه بر مراجعه به اسناد کتاب‌ها، سند روایات نیز می‌توانند قرینه‌ای در اثبات اتحاد راویان باشند. برای نمونه مجلسی با مقایسه سند یک روایت در دو کتاب من *لا یحضره الفقیه* و *تهذیب الاحکام* در صدد اثبات اتحاد یحیی‌الازرق و یحیی بن عبدالرحمن الازرق برآمده است (مجلسی، *روضه المتقین*، ۲۱۱/۹ و ۱۲۷/۱۱). حال آنکه صرف مراجعه به رجال شیخ طوسی، تعدد این دو عنوان را به ذهن متبادر می‌سازد (شیخ طوسی، *رجال الطوسی*، ۳۲۱ و ۳۲۲). توضیح آنکه شیخ صدوق، حدیث مورد بحث را از یحیی‌الازرق (شیخ صدوق، ۴۱۷/۲) و شیخ طوسی همین حدیث را از یحیی بن عبد الرحمن الازرق نقل کرده (شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ۱۵۷/۵) و مقایسه این دو سند، حاکی از اتحاد این دو راوی است. قرینه دیگر وی بر این ادعا این است که غیر از یحیی، راوی دیگری به الازرق توصیف نشده است<sup>۱</sup> (مجلسی، *روضه المتقین*، ۵۳۹/۴).

۱. البته به جز او از راویان دیگری نیز با عنوان ازرق در کتب رجالی یاد شده است که برای مثال می‌توان از اسماعیل الازرق (برقی، ۱۲)، یعقوب بن شعیب الازرق (برقی، ۱۸) و علی الازرق (برقی، ۲۵) نام برد. از این‌رو ممکن است مقصود مجلسی اول، عدم شهرت سایرین به این کنیه باشد.

### ۵. بیان اتحاد بدون اشاره به قاعده مورد نظر

مجلسی اول در بعضی موارد به توحید راویان تصریح داشته، ولی در اثبات این اتحاد، به قاعده مورد نظر خود اشاره‌ای نداشته است. اسامی این راویان به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

ابراهیم بن مثنی و ابراهیم بن ابی مثنی (مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ۱۹۲/۶)؛ ابو الحسن [ابو الحسین] بن الحصین و ابو الحصین بن الحصین (مجلسی، روضه المتقین، ۴۸۱/۱۴)؛ ابو خالد الزبالی و ابو خالد الزبال (مجلسی، روضه المتقین، ۴۸۱/۱۴)؛ بکر بن جناح و بکر بن محمد بن جناح (مجلسی، روضه المتقین، ۳۳۷/۱۴)؛ بکر بن محمد الازدی (مجلسی، روضه المتقین، ۶۷/۱۴)؛ جعفر بن عثمان (مجلسی، روضه المتقین، ۷۸/۱۴)؛ حسن بن السری الکاتب، حسن بن السری العبدی و الحسن بن السری الکرخی (مجلسی، روضه المتقین، ۹۳/۱۴)؛ حسن بن زیاد عطار، حسن بن زیاد الطائی و حسن بن زیاد صیقل (مجلسی، روضه المتقین، ۳۵۱/۱۴)؛ حکم بن مسکین أبو محمد و الحکم الاعلی (مجلسی، روضه المتقین، ۳۵۸/۱۴)؛ زکریا بن مالک جعفی و زکریا النقاض (مجلسی، روضه المتقین، ۱۲۸/۱۴)؛ سلام بن ابی عمرة خراسانی و سلام بن عمرو (مجلسی، روضه المتقین، ۳۷۰/۱۴)؛ سلمة الحنات و سلم الحنات (مجلسی، روضه المتقین، ۲۴۴/۷)؛ سلیم الفراء و ابو عبد الله الفراء (مجلسی، روضه المتقین، ۱۷/۱۴)؛ عبد الحمید بن سعد و عبد الحمید بن سعید (مجلسی، روضه المتقین، ۳۷۷/۱۴)؛ عبد الله بن هلال و عبد الله بن هلیل (مجلسی، روضه المتقین، ۳۸۷/۱۴)؛ عجلان ابو صالح (مجلسی، روضه المتقین، ۳۸۸/۱۴)؛ علی بن شیره و علی بن محمد بن شیره القاشانی (مجلسی، روضه المتقین، ۳۹۹/۱۴)؛ عیسی بن عبد الله الهاشمی و عیسی بن عبد الله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب (مجلسی، روضه المتقین، ۲۱۶/۱۴)؛ غیاث بن ابراهیم (مجلسی، روضه المتقین، ۴۰۹/۱۴)؛ محمد بن حکیم و محمد بن حکیم الخثعمی (مجلسی، روضه المتقین، ۲۴۱/۱۴)؛ معاذ بن کثیر و معاذ بن مسلم الهراء (مجلسی، روضه المتقین، ۴۵۷/۱۴)؛ معاویه بن شریح و معاویه بن میسرة (مجلسی، روضه المتقین، ۲۶۹-۲۷۰، ۳۴۶ و ۴۵۸)؛ معلی ابی عثمان و ابن عثمان (مجلسی، روضه المتقین، ۳۲۶/۱۰)؛ هیثم بن عبید شیبانی ابو کهمش کوفی، هیثم بن عبدالله ابو کهمش کوفی و قاسم بن عبید ابو کهمش (مجلسی، روضه المتقین، ۳۱۸/۱۴).

## نتیجه‌گیری

۱. دوره مجلسی اول هم‌زمان با دوره متأخران است و در این دوره، مباحث تحقیقی علم رجال مورد توجه عالمان قرار گرفته است. با توجه به جایگاه مجلسی اول در میان معاصرانش، بررسی آراء وی در حوزه رجال نقش مؤثری در شناخت تاریخ شکل‌گیری این علم دارد.

۲. توحید مختلفات یا یکسان‌انگاری راویان مختلف، از مباحث تحقیقی علم رجال است که در میان متأخران و پس از آنان مورد توجه قرار گرفته است. اصلی‌ترین و مهمترین قاعده رجالیان در اثبات اتحاد عناوین مختلف، توجه به رابطه راوی و مروی عنه و تشابه اطلاعات رجالی است. تشابه اطلاعات رجالی را می‌توان در دو حیطة «تشابه اطلاعات نام‌شناختی» و «تشابه اطلاعات شرح‌حالی» مورد بررسی قرار داد.

۳. در میان مباحث رجالی مجلسی اول، حدوداً چهل و هشت مورد، توحید مختلفات به چشم می‌خورد که مجلسی اول در اثبات بیست و چهار مورد از آنان، از قواعدی بهره برده است. مجلسی با استفاده از تشابه اطلاعات نام‌شناختی، به اثبات اتحاد چهار راوی پرداخته است.

۴. تشابه اطلاعات شرح‌حالی را تحت دو عنوان می‌توان بررسی کرد. عنوان اول، وحدت طبقه است. مجلسی اول با توجه به وحدت طبقه محمد بن ولید کرمانی و خزاز، حسن بن مالک و حسین بن مالک و نیز حسین بن بشار و حسین بن یسار، حکم به اتحاد ایشان داده است.

۵. عدم تنافی مطلق و مقید از دیگر قواعد مورد استفاده مجلسی اول است که ایشان این قاعده را جهت اثبات اتحاد چهار عنوان راوی، سوید بن مسلم، علی بن حسان واسطی و هاشمی، حماد بن عثمان و علی بن حکم به کار برده است.

۶. اتحاد طریق نجاشی یا شیخ طوسی به دو یا چند عنوان مختلف می‌تواند، قاعده‌ای جهت توحید ایشان باشد. مجلسی اول با توجه به وحدت طریق نجاشی به ابو حفص رمانی و زبالی، حکم به اتحاد این دو نفر داده است. همچنین به علت وحدت طریق شیخ به کتاب محمد بن میسر و محمد بن مبشر معتقد است این دو راوی، واحدند.

۷. مقایسه اسانید در دو گونه اسناد کتاب و اسناد روایت می‌تواند قرائنی را جهت اثبات اتحاد عناوین مختلف روات به دست دهد و مجلسی با استفاده از این قرینه به اثبات اتحاد حسن بن علی کوفی و یحیی بن عبدالرحمن پرداخته است.

## منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۲. ابن داود حلی، حسن بن علی، *کتاب الرجال*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۳. اردبیلی، محمد بن علی، *جامع الرواة*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *کتاب الرجال*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۵. تفرشی، سید مصطفی، *نقد الرجال*، قم، مؤسسه آل‌البتیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ق.
۶. جزایری، عبد‌النبی، *حاوی الاقوال فی معرفة الرجال*، قم، ریاض‌الناصری، ۱۴۱۸ق.
۷. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، *خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال*، نجف، دار‌الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۸. خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال‌الحديث و تفصیل طبقات الرواه*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۳ق.
۹. سبحانی، محمد تقی، *کلیات فی علم الرجال*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۱۰. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، *الرعاية فی علم‌الدراية*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۱۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *رجال الطوسی*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۱۳. -----، *الفهرست*، قم، مکتبه المحقق‌الطباطبایی، ۱۴۲۰ق.
۱۴. -----، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار‌الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۵. طهرانی، محمد محسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دار‌الاضواء، ۱۴۰۳ق.
۱۶. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس‌المحیط*، بیروت، دار‌العلم، بی‌تا.
۱۷. کشی، محمد بن عمر، *رجال‌الکشی*، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۱۸. کنی، ملاعلی، *توضیح‌المقال*، قم، دار‌الحديث، ۱۴۲۱ق.
۱۹. لطفی، سیدمهدی، *پژوهشی در مبانی و اصول دانش رجال*، اصفهان، جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۹۴ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، *ملاذ‌الاخیار*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
۲۱. مجلسی، محمدتقی، *روضه‌المتقین*، قم، کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۲۲. -----، *لوامع صاحبقرانی*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
۲۳. نجاشی، احمد بن علی، *رجال‌النجاشی*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۵ش.